

Gate of Wilayah; The Symbol of Wilayah in Sacred Mashhad

Alireza Bavandian¹

Abstract

The gateways to cities are the first spatial impressions through which every newcomer immediately encounters the urban environment. City entrances therefore become arenas where imagination and reason are simultaneously engaged. At present, the quality of entrances to many cities is characterized by forgotten urban spaces, often marked by widespread disorder and incompatible structural elements. Accordingly, the central concern of this research is how to overcome such an unseeing urban system—one that, at the very outset, gives rise to endless questions. These systems, lacking identity and status, can only acquire meaning through creative architects and, in turn, become inseparable parts of the city itself. The main objective of this study is to clarify the portrayal of the city's image based on citizens' lived experience of the creation of a gate in the city of Mashhad. The research is conducted using an applied study approach with a descriptive–analytical method, emphasizing the correction of the visual culture of Mashhad through the employment of architects and artists and the provision of appropriate grounds for the emergence of lasting monumental elements. First, the study addresses the formulation of the problem and reviews the relevant specialized literature in order to enable practical use of these foundations through a new approach or through the production of an original urban design outcome. Subsequently, guided by the same objective, design principles and recommendations for improving and enhancing the quality of urban entrances are presented. The findings show that if a city cannot establish a dynamic visual alignment with its residents, it will not achieve effective visual communication and therefore cannot adequately represent its valuable inner capacities.

Keywords: Phenomenology, urban form, city image, city entrances.

1. Assistant Professor, Department of Art Research, Faculty of Art, University of Neyshabur, (Corresponding Author) bavandian@ferdowsi.um.ac.ir

دروازه ولایت؛ نماد ولایت مشهد مقدسه*

علیرضا باوندیان^۱

چکیده

مبادی ورودی شهرها؛ نخستین تصور و فضای شهری است که هر تازه‌واردی هنگام ورود به شهر بی‌درنگ با آن مواجه می‌شود. مبادی ورودی شهر، آوردگاهی از خیال و تعقل است. در حال حاضر کیفیت مبادی ورودی بیشتر شهرها، فضاهای فراموش شده شهری هستند که با نابسامانی‌های فراوان و سازه‌های ناسازگار روبه‌رو هستند. مسئله این تحقیق چگونگی برتری بر این سامانه بی‌بصیرت شهری است که خود در همان آغاز، سرچشمه پرسش‌های بی‌پایان است. این سامانه‌ها، سامانه‌هایی بدون هویت و منزلت هستند که به دست معمار خلاق، معنی می‌یابند و خود، پاره‌ای جدانشدنی از شهر می‌گردند. هدف اصلی پژوهش، وضوح بیان سیمای شهر بر اساس تجربه زیسته شهروندان از مسیر ایجاد دروازه در شهر مشهد است. این پژوهش به روش مطالعات کاربردی با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و بر اصلاح ساختار فرهنگ بصری شهر مشهد، به کار گرفتن معماران و هنرمندان و بسترسازی به منظور ظهور ایجاد عناصر یادمانی ماندگار تأکید می‌کند. ابتدا به مسئله‌یابی در مورد موضوع می‌پردازیم و ادبیات تخصصی مرتبط با موضوع پایان‌نامه را مرور می‌کنیم تا از این طریق، زمینه استفاده کاربردی از آنها با رویه‌ای نو و یا تولید محصول طراحی شهری جدید فراهم شود. در ادامه و در همین راستا اصول و رهنمودهای طراحی برای بهبود و افزایش کیفیت ورودی شهری را ارائه می‌کنیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد چنانچه شهر نتواند در ارتباط بصری پویا با ساکنان خود هم‌آوایی کند، ارتباط بصیرتی کارآمد نیز نخواهد داشت و نمی‌تواند معرف درون‌داشته‌های ارزنده خود باشد.

واژگان کلیدی: پدیده‌شناسی، کالبد شهر، سیمای شهر، ورودی شهر.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/JTC.2026.71243.1049

۱. استادیار گروه پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه نیشابور. (نویسنده مسئول)

bavandian@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

مبادی ورودی هر شهر به عنوان نگین و پیشانی آن شهر مورد توجه قرار دارد و باید از نظر طراحی متناسب با ویژگی‌ها، نماد، فرهنگ، شرایط منطقه‌ای و شاخصه‌های همان دیار در نظر گرفته شود. این مبادی باید از جذابیت مطلوب و منحصر به فردی برخوردار باشد و «حس دعوت کنندگی به شهر» را تقویت کند، اما غالباً فضای ورودی شهرها در حال حاضر کیفیت مطلوبی ندارد و فضاهای رها شده و بی‌مسئولیتی هستند که از فضاهایی پر از اغتشاشات بصری، کاربری‌های نازیبا و بد منظر (مانند تعمیرگاه‌ها و غیره) پر شده‌اند. این پژوهش به بررسی تحولات کالبدی و کارکردی مبادی ورودی جنوب شرقی مشهد - به عنوان شهری نخست مذهبی و بعد توریستی - می‌پردازد و نتایج خود را بر مقاطع دیگر هم فرافکن می‌کند.

توجه به مبادی ورودی شهرها به عنوان مسئله‌ای که بسیاری از شهرهای کشور با آن درگیر هستند از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی شهری است. «فضای ورودی شهرها مسیر حرکتی (بین بستر طبیعی بیرون شهر با محیط مصنوع درون آن) است که ورود به شهر از طریق آن میسر می‌شود و از شخصیت و هویت مستقلی برخوردار است. در این بین، گسترش خودبه‌خود و توسعه بی‌رویه و بدون برنامه شهرها و توجه نکردن به الگوهای توسعه فضایی مناسب، موجب ضعف در شکل و محتوای فضاهای ورودی شهرها در ایران شده است، و این امر به سیما و هویت شهرها آسیب جدی وارد کرده است (رضایی، ۱۳۹۷: ۱۱۳)».

از این رو مقاله پیش‌رو در بردارنده پنج فصل است: فصل اول مربوط به کلیات تحقیق است که مواردی از قبیل بیان مسئله و اهمیت و ضرورت تحقیق، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و اهداف تحقیق را دربر می‌گیرد.

فصل دوم به مسائلی همچون سابقه تحقیقات مشابه، تعاریف، مفاهیم و چارچوب‌های نظری اختصاص دارد که در آن به تعریف و شفاف‌سازی کلماتی کلیدی مانند مفهوم کالبد شهر، فضای شهری و توسعه فضایی، عملکرد (کارکرد) و کالبد محیط، ورودی و ویژگی‌های آن، انواع ورودی و غیره پرداخته شده است.

فصل سوم، روش تحقیق و جامعه آماری است و همچنین به ویژگی‌های محدوده شهر و محدوده مورد مطالعه در جنوب شرقی مشهد می‌پردازد.

فصل چهارم به طور تفصیلی به یافته‌های میدانی محقق درباره محدودیت‌ها و امکانات توسعه کالبدی شهر مشهد مقدس، محتوای اصلی یا اساس طرح جامع و تفصیلی شهر مشهد و حوزه جنوب شرقی شهر مشهد، تحولات کالبدی و کارکردی محدوده مورد مطالعه، پهنه‌های فضای ورودی شهر، بررسی ویژگی‌ها و توقعات موضعی از ورودی می‌پردازد و سپس توقعات موردی از ورودی شهر از سمت جنوب شرقی، به ویژگی‌های تبدیل‌پذیری، نفوذپذیری، پذیرندگی، خوانایی و تشخیص و غیره می‌پردازد.

در فصل پنجم طراحی گزینه برتر ارائه می‌شود که چارچوب طراحی، دستورالعمل‌های طراحی و ارائه سه‌بعدی از طراحی انجام‌شده در ورودی شهر مشهد را دربرمی‌گیرد و در انتها نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

طرح و بیان مسئله

در گذشته، نخستین تصویری که از هر شهر در ذهن مسافری نقش می‌بست، ورودی آن بود. این ورودی نه تنها هویت بخش آن شهر، بلکه بازگوکننده فرهنگ حاکم نیز به‌شمار می‌آمد. دروازه‌های شهر نقشی بسیار مهمی در تحولات ادوار مختلف داشتند که البته به مرور زمان نقش پویای خود را از دست دادند تا آنجا که امروزه از دروازه شهر تنها همان دروازه قرآن عهد زندیه و غیره را به خاطر داریم.

مبادی ورودی هر شهر باید طوری باشد که هویت، فرهنگ، نماد و ویژگی‌های خاص آن شهر را نمایش دهد، اما متأسفانه در حال حاضر فضای ورودی شهرها کیفیتی مطلوب دارند و به فضاهای بیهوده پرتاب شده بی‌جهت تبدیل شده‌اند که از فضاهایی پر از اغتشاشات شنیداری، دیداری، کاربری‌های نازیبا و بد منظر آکنده شده است.

«گشاده‌روی» و «دعوت‌کنندگی شهرها» معطوف به تقویت ورودی آن می‌شود؛ نکته‌ای که به‌ویژه در طراحی شهر اسلامی باید به آن اهتمام جدی مبذول شود. امروزه کلان‌شهرها از این

حیث با فقر نسبی مواجه هستند و مردم ناگهان به شهر وارد می‌شوند، بدون آنکه در ورودی آن درنگی و لاجرم تأملی متصور باشد. این ضعف در کلان‌شهر مذهبی مشهد به نحوی چشم‌گیرتر دیده می‌شود. با آنکه مشهد از وجاهت ارزشی فراوانی نزد جهان اسلام برخوردار است و همه ساله جمعیتی بالغ بر بیست میلیون نفر را پذیرا می‌شود، اما در هیچ یک از مبادی ورودی خود از ورودی شایسته و اندیشیده‌شده‌ای بهره‌مند نیست.

اهمیت و ضرورت پژوهش

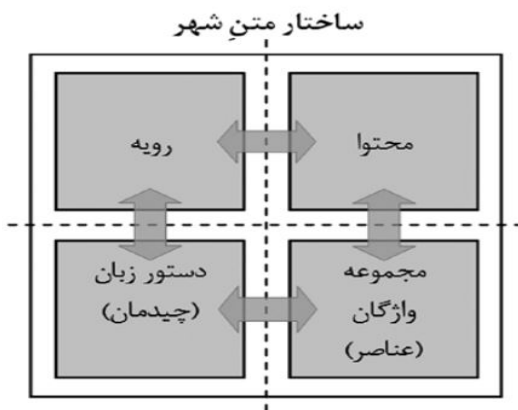
نخستین تصویری که از شهر در ذهن مخاطب نقش می‌بندد ایده طراحی مبادی ورودی شهر است، این تصویر ذهنی در امتیازبندی مخاطب از طریق پیش‌داوری بر کیفیت محیطی شهر پیش از ورود به شهر بسیار اثرگذار است. فضاهای ورودی شهر مشهد نوعاً از کیفیت نامطلوبی برخوردار است و فاقد یک ساختار و هویت مشخص و مشخص است؛ یعنی با عدم هدایت شایسته زائران، نبود جذابیت بصری و انگیزه در ناظر، نداشتن ساختار مشخص، از بین رفتن عملکرد تفرجگاهی و پایین بودن کیفیت محیطی و غیره روبه‌رو هستیم و اینها به معنای «ناخوانایی» است؛ یعنی عدم خوانش بخردانه و زیباشناختی.

پریش‌خوانی شهری، مفهومی نوین برای بازگشت به ذهن انسان در فرایند طراحی شهر است. این مفهوم به‌عنوان یک پدیده ذهنی، عمدتاً وجه معنایی-اجتماعی داشته و در الگوهای رفتاری شهروندان تجلی می‌یابد. پریش‌خوانی شهری نوعی اختلال ادراکی-رفتاری در تعامل با محیط است؛ مقولاتی مانند آموزش، فقر، سرمایه اجتماعی، تحولات ارزشی، جامعه‌پذیری، قانون‌گرایی، تعلق خاطر، بی‌تفاوتی و ازخودبیگانگی، در کنار مؤلفه‌های کالبدی و نشانه-معناشناختی شهر، بر مقوله پریش‌خوانی شهری اثرگذار است (براتی، ۱۴۰۲، ص ۸۱).

از اوایل دهه ۱۹۷۰ زبان‌شناسان این پرسش را مطرح کردند که مفهوم «متن» چیست؟ شاید بتوان گفت مفهوم متن در دل دوگانه دوسوسوری «لانگ»^۱ (نظام زبان) در برابر «پارول» (گفتار) و در انتظار بسط و گسترش، نهفته است (دوسوسور، ۱۳۷۸، ص ۲۸). به این ترتیب نخستین تعریف گسترده از متن به دست می‌آید: «منظور از متن عباراتی هستند که در ارتباط

1. Ferdinand de Saussure

معینی از طریق گوینده یا نویسنده به کار می‌رود و همان تعبیری است که شنونده یا خواننده به آن دست می‌یابد» (البرزی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). «متن» از طریق دستگاه منظمی از انواع جملات که دست‌کم به وسیله خصوصیات نحوی و معنی‌شناسی تشخیص پیدا می‌کند، شکل می‌گیرد. «متن» مجموعه‌ای است از واقعیات که مانند زنجیره‌ای از عناصر حاوی معنا، بسان نشانه شکل می‌گیرد، و توسط نگارنده با هدف انتقال معانی خاص به مخاطب، در «زمینه» ای معین انتخاب و تنظیم می‌شود. برخی از محققان نمادها، اسطوره‌ها، رؤیاها و حتی تاریخ را «متن» می‌پندارد. بدین ترتیب هر متن، نظامی از نشانه‌های سازمان یافته بر اساس رمزگان و زیررمزگانی است که بازتابی از ارزش‌ها، گرایش‌ها، باورها، فرض‌ها و کنش‌های معین می‌باشند (چندلر، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱).



تصویر شماره ۱. ساختار متن شهر. منبع: مهسا شعله

شهر؛ یک متن و نوعی معماری نگاشته شده است. تنها با این تعبیر است که می‌توان وارد دنیای شهر شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های یک متن (همچون یک کل بهم پیوسته و با آغاز و پایان مشخص) این است که متن دارای پاره‌هایی است که می‌تواند به پاره‌های کوچک‌تر تقسیم شود. برای داشت «ساخت» نه تنها وجود مجموعه‌ای از اعضا حتمی و الزامی است بلکه وجود یک دستور در نحوه چیدمان آنها نیز ضروری است. این عناصر همانند که در زبان شامل مجموعه‌ای از کلمات می‌شوند و محتوای آن زبان را شامل می‌شوند.

با ورود به این مقطع متن (به عنوان یکی از کاستی‌های شهر مشهد) و این که هیچ گونه



تدبیری در خصوص بهبود و ارتقای کیفی ورودی‌های آن به‌ویژه اینکه چندان تدبیری هم صورت نگرفته است ضرورت مضاعفی به خود می‌گیرد. خاصه آن که ملزم به الزامات دینی و خاطره‌های تاریخی یادمانی هم باشد.

۱. تعریف واژگان کلیدی پژوهش (تعاریف لغوی و عملیاتی)

۱-۱. پدیده‌شناسی

پدیده‌شناسی از نظری لغوی و معنی یعنی مطالعه کردن پدیده‌ها از هر نوع آن، و همچنین توصیف آنها با در نظر گرفتن نحوهٔ بروزشان، پیش از اینکه بخواهیم آنها را تشریح کرده و به لحاظ ارزشی قضاوت کنیم. این اصطلاح را یوهان هاینریش لامبرت^۱ و کانت^۲ در توصیف آگاهی و تجارب آن به کار بردند. هگل^۳ آن را برای پژوهش تاریخی در تحول خودآگاهی، از تجربه‌های حسی اولیه تا اندیشهٔ کاملاً آزاد و عقلانی به کار برد. اما تولد حقیقی این مکتب به اندیشه‌های فلسفی هوسرل^۴ و شاگردانش در آغاز قرن بیستم گره خورده است. پرسش هوسرل، همان پرسش بنیادی فلسفی از ماهیت پدیدارها (فنومن‌ها)، و نام جدید فلسفه‌اش پدیدارشناسی بود. روش پدیدارشناسی بر آن است که پدیدارها را همان‌طور که پدیدار می‌شوند، توصیف کند.

۱-۲. سیمای شهر

سیمای شهری چون سیمای جداره‌ها، سیمای زمین، نمود ظاهری انسان‌ها، جلوهٔ ظاهری فعالیت‌های در حال انجام در فضای شهر و جلوهٔ ظاهری کلیه الحاقات ثابت و متحرک فضا را دربرمی‌گیرد. به این ترتیب، سیمای شهر ماهیتی پویا دارد.

مرمت شهری تنها در مجموعه عواملی که سعی در حفظ و بهبود وضعیت کالبدی شهر دارند-تعمیر اثر- خلاصه نمی‌شود، بلکه آنچه حائز اهمیت و توجه

1. Johann Heinrich Lambert(1728-1777)
2. Immanuel Kant(1724-1804)
3. Georg Wilhelm Friedrich Hegel(1770-1831)
4. Edmund Husserl(1238-1317)

است به‌روز نگه‌داشتن فضای شهری و انطباق آن با رفتار و فعالیت اجتماعی شهروندان در دوران حاضر- معاصر سازی اثر-می‌باشد. آنچه حائز اهمیت است تأثیر این ساماندهی‌ها و مرمت‌ها در محیط به منظور حضور مجدد انسان و تقویت ریشه فعالیت‌های مردمی و اجتماعی در عرصه فضای شهری و محل است. بی‌شک زمانی می‌توان به بقای یک اثر در عرصه شهر امید داشت که آن اثر بتواند به‌سان گذشته بستر شکل‌گیری و رشد فعالیت‌ها و تعامل اجتماعی مردم جامعه خود در زمان مربوط به خود باشد. (اصانلو؛ رستمی زاده، ۱۳۸۶، صص ۳۹).

سیمای شهر کتابی تألیف نظریه‌پرداز آمریکایی حوزه معماری و شهرسازی، کوین لینچ (۱۹۱۸-۱۹۸۴)، در سال ۱۹۶۰ منتشر شده است. این کتاب بر این مسئله تمرکز دارد که مردم، مناظر شهری را چگونه درک می‌کنند. یکی از عبارات‌های مرکزی در این کتاب خوانش‌پذیری است؛ یعنی میزانی که یک شهر برای مردمش قابلیت خوانش دارد، همچون یک متن.

۳-۱. شهر

شهر دو مفهوم اصطلاحی و مفهوم شریف دارد: در معنای شریف، به هر جایی که تجمعی از اندیشمندان و اهل نظر در آن در حال فکر و ذکر باشند، گفته می‌شود؛ مانند مولوی که شهر را جامع اسرار می‌داند.

طی دهه‌های اخیر، تعاریف متعددی از شهر توسط اندیشمندان اقتصاد، جمعیت‌شناسی، جغرافیا، جامعه‌شناسی و برخی علوم دیگر ارائه شده است. جامعه‌شناسان شهر را محل تمرکز جمعیت، ابزار تولید، نیازها و احتیاجات سرمایه و غیره می‌دانند که تقسیم کار اجتماعی، در آنجا صورت می‌گیرد. جغرافی‌دانان، شهر را منظره‌ای مصنوعی از خیابان‌ها، بناها، ساختمان‌ها و دستگاه‌هایی می‌دانند که زندگی شهری را ممکن می‌سازد. مورخان، شهر را با توجه به قدمت آن تعریف می‌کنند و از نظر اقتصاددانان، شهر به جایی گفته می‌شود که کار و کسب بیشتر مردم آن غیر از کشاورزی است. جمعیت‌شناسان نیز ملاک شهر بودن را تعداد جمعیتی که در یک



نقطه زندگی می‌کنند در نظر می‌گیرند و از نظر اندیشمندان طراحی شهری، شهر به مجموعه‌ای سازمان‌یافته و پیچیده، متشکل از سه مولفه اصلی کالبد، تصورات و فعالیت‌ها تشکیل است که البته پیوسته در حال تغییر و تحول می‌باشد.

۱-۴. ورودی شهر

تا کنون تعاریف متعددی برای ورودی شهرها بیان شده است که هر کدام بر یکی از جنبه‌های شهری تأکید می‌کند. به عنوان مثال فضاهای ورودی شهرها، مسیرها و راه‌هایی بر روی زمین هستند که امکان ورود و خروج به شهر را از طریق وسایل نقلیه موتوری فراهم و تسهیل می‌سازد. اما تمام تعاریف ارائه شده مرتبط با این موضوع، بر ماهیت غیرخطی ورودی شهر و همچنین اینکه ورودی شهرها تنها کریدور حرکتی نیستند، بلکه حوزه و عرصه‌ای هستند که کریدور حرکتی را داخل خود دارند (و دیگر موارد مشترکی که در این تعاریف به آنها اشاره شده است)، تأکید می‌کنند.

۱-۵. فضای ورودی شهر

فضای ورودی شهرها دربردارنده مسیر حرکتی است که جریان ورود به شهر را با توجه به سرعت حرکت و زمان حرکت میسر می‌سازد و به دیگر بیان، جریان خروج از داخل شهر و ورود به داخل شهر را ممکن می‌سازد. این مسیر حرکتی را می‌توان به سه حوزه بیرونی، واسط و داخلی، تفکیک کرد. در این جریان با عبور از داخل فضای خارجی - که با ویژگی‌های طبیعی و فضایی با خصوصیت مستقل با سلسله مراتب فضاهای مجزا قابل ادراک و تشخیص است -، حوزه خارجی نقش ارتباط اولیه طبیعت و بیرون شهر را با حوزه میانی یا واسط اجرا می‌کند. حوزه میانی را می‌توان به عنوان حوزه مسلط میان فضای بیرونی یا خارج شهر با فضای داخلی شهر که هویتی کاملاً مستقل دارد، در نظر گرفت.

حوزه میانی در واقع موثرترین و بزرگ‌ترین حوزه‌ای است که در تبدیل سکانس‌ها به یکدیگر نقش مهمی دارد و در فضای ورودی شهر ایفای نقش می‌کند. حوزه میانی با استقرار روی مرز

فضای بیرونی و فضای درونی شهر و اعطای فرصت کافی برای تبدیل فضای بیرون و فضای درون به یکدیگر، به تفسیر رفتار در دو طرف ورودی کمک می‌کند. این فضای میانی یک مفصل ارتباط دهنده با تغییر در ریتم کالبدی است و با کاستن از یک مرتبگی در مواجهه با هر یک از دو عرصه بیرونی و درونی، تبدیل ملایم دو عرصه را به یکدیگر ممکن می‌سازد. در مجموع، فضاهای ورودی که در بردارنده حوزه‌های کناری و حوزه میانی است، حوزه‌های کناری به عنوان حوزه‌های نیمه مستقل عمل می‌کنند.

۱-۶. دروازه

یکی از اصلی‌ترین اجزای ساختار فضایی و کالبدی شهر، دروازه شهر است که از عملکردها و کارکردهایی ویژه برخوردار است. دروازه شهر، نخستین فضایی است که هر مسافری در بدو ورود به شهر با آن روبه‌رو می‌شود و همچنین آخرین فضایی است که هنگام خروج از شهر با آن مواجه می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت هر دروازه شهری در زایش خاطره‌های رهگذران، انباشته‌ای عظیم و بی پایان است. در فضایی که دروازه شهری می‌سازد، نه تنها بضاعت‌های زیست‌محیطی و طبیعی، بلکه انبوهی از نمادها و جلوه‌های تأمل‌برانگیز شهری نیز حضور دارند. چنین فضایی، منشأ و مرجع تأملات انسانی و مطالبات مربوط به آن است. همه خصایص «محیط انسان ساخت» باید در چنین فضایی ملاحظه و مشاهده شود؛ از این رو باید دارنده و برآورنده عملکردها و کیفیت‌های متنوع محیطی باشد تا در زمان و شرایط مختلف نیازهای انسان‌ها را پاسخ گوید. مطلوبیت کیفیت‌های محیطی دروازه شهر و وجود کارکردهای مختلف در آن موجب می‌شود این مجال به یک مقال کانونی برای جذب جمعیت تبدیل شود و نوعی خاص از گردشگری نیز در آن به جریان درآید.

پرسش اصلی

دروازه ولایت مشهد مقدسه؛ چه ظرفیت‌های نمادشناختی خاصی را برای خوانش بصری شهر فراهم می‌سازد؟

پرسش فرعی

کدام هویت بصری در بدو ورود زائر به مشهد، توجهش را جلب می‌کند؟ چگونه می‌توان کیفیت ورودی در مشهد مقدسه را ارتقا داد؟

۲. مشهد مقدس و جغرافیای تاریخی

در نگره‌های سنتی رایج میان پژوهشگران، رشته تاریخ، بیشتر به صورت مطالعه وقایع تاریخی در قلمرو جغرافیایی خاص معرفی شده است و از این حیث هم‌پوشانی بسیاری با «تاریخ محلی» دارد. جغرافیای تاریخی، علمی است که از تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی آنها و تاریخ اکتشافات جغرافیایی صحبت می‌کند. همچنین جغرافیای تاریخی در بردارنده بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی سلسله وقایع در یک زمان، یا ارزیابی آنها با توجه به وقایع تاریخی گذشته است. (قراچانلو، ۱۳۹۰، صص ۸-۱۳) تاریخ و جغرافیا همواره پیوندی تنگاتنگی با یکدیگر داشته‌اند، طوری که در عصر باستان، تفکیک این دو دانش بسیار دشوار بود، اما اندک‌اندک تاریخ، تنها به مطالعات خاصی پرداخت که تحولات و سیر زندگی بشر در ظرف زمان را بررسی می‌کرد و جغرافیا نیز به تحولات و سیر زندگی بشر در ظرف مکان مورد بررسی می‌پرداخت. با این حال همواره در آثار مورخان و گاه هم جغرافی‌نگاران، تأثیر دو پدیده جغرافیا و عوامل تاریخی به چشم می‌خورد. تأثیر عوامل جغرافیایی بر شرایط زیستی انسان طی دوره‌های مختلف تاریخی، دانشی به نام جغرافیای تاریخی را پدید آورد. این شاخه مطالعاتی هر چند در آثار دانشمندان یونانی و اسلامی به آشکارا به چشم نمی‌خورد، اما تعداد زیادی از جغرافی‌نگاران یونانی و اسلامی از این منظر به عوامل جغرافیایی و تاریخی نگریسته‌اند، چندان که گزارش‌های استرابون یونانی و مسالک و ممالک نویسان اسلامی از این دسته به‌شمار می‌روند. (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۲۸)

تاکنون ابعاد ملی (کشوری) زندگی گذشته ایرانیان کمتر وارد تحقیقات جغرافیایی-تاریخی شده است و تحلیل‌هایی که از این نوع مطالعات ریشه‌گیرد، بسیار اندک هستند. این در حالی



است که در کشورهای اروپایی، این گونه تحقیقات جغرافیایی-تاریخی توسعه و ترقی داشته‌اند. بدون شک شرایط و الزامات آن جوامع در گسترش چنین تحقیقاتی نقش داشته است، اما ناگزیر در این دوران ما نیز چاره‌ای جز عطف توجه به آن نداریم. بسیاری از زوایای جغرافیایی-تاریخی ما تاکنون در پرتو نگرش‌های عام به این مبحث مبهم مانده است و پرتوی روشنی‌بخش بر آنها افکنده نشده است. (خیراندیش، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

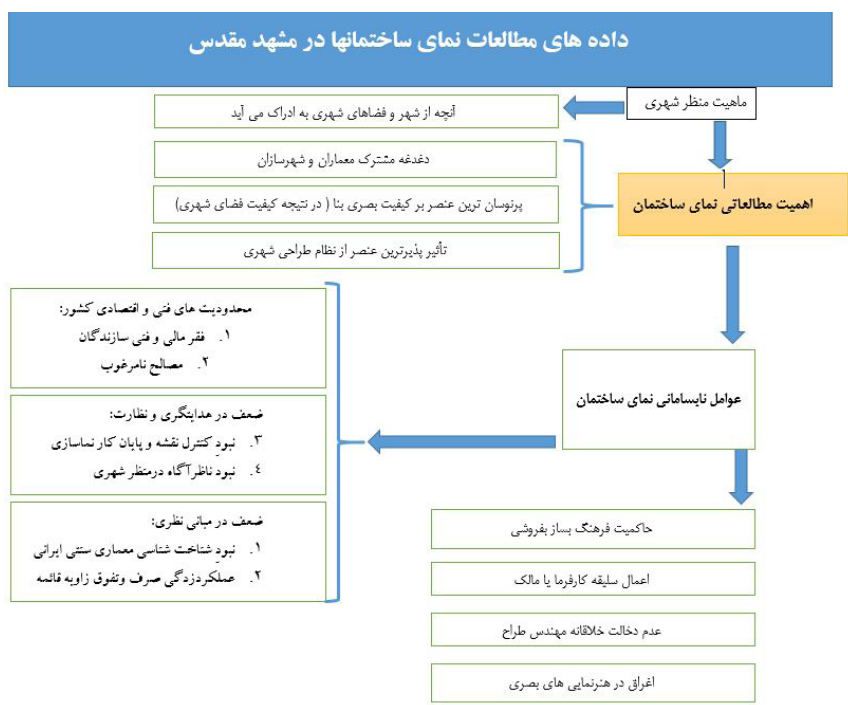
عوامل متعددی در طول تاریخ در نضج و رشد شهرها دست داشته‌اند؛ مانند عوامل طبیعی و انسانی.

بعضی از شهرها وسعت و آبادی خود را مدیون شخصیت‌های مذهبی هستند و مشهد از آن جمله است. مشهد پیش از آن که به برکت امام هشتم علیه السلام با وسعت روزافزون به وجود آید دوده، به اسم نوقان و سناباد به فاصله یک میل یا ربع فرسخ در آنجا وجود داشت» (بینش، ۱۳۴۷، ص ۶۵).

البته نوقان شهر بزرگی بوده است تا آنجا که در حدود قرن سوم بزرگ‌ترین شهر منطقه توس به‌شمار می‌آمده است. مشهد مقدس در طول زمان مانند قالی درهم‌تنیده‌ای توانسته است همه ظرفیت‌ها و ظرافت‌های تاریخی را در خویشتن خویش پذیرا شود. بزرگ‌ترین وقایع تاریخی از جمله سفر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به مرو را در خود بازتاب دهد؛ سفری که عصر عباسیان را منقلب کرد و توانست بر جهان اسلان اثرات کارآمدی بگذارد. اما مانند اثر هنری‌ای که قاب ندارد، توجه مخاطب به عناصر بصری آن چندان جلب و جذب نمی‌شود و به ژرفای آن پی نمی‌برد.

۲-۱. عناصر اصلی شهر مشهد

پیوستگی و انسجام از عناصر بنیادین شهر به‌شمار می‌آیند، با این همه تفاوت‌هایی نیز دارند. پیوستگی با نحوه چیدمان عناصر شهری مرتبط است؛ درحالی که انسجام با کل روابط مفهومی که در متن شهر در جریان است، ارتباط دارد. در کنار هم قرار گرفتن این دو خصلت می‌تواند ابزاری تحلیلی برای شناخت ساخت کالبدی-محتوایی شهر به دست دهد.



تصویر شماره ۲. داده های مطالعات نمای ساختمانها در مشهد. منبع: نگارنده

۲-۲. ادبیات تحقیق

شهر مشهد پنج ورودی دارد: ورودی شرقی به طرف سرخس، ورودی شمالی به طرف کلات، ورودی غربی به طرف قوچان، ورودی غربی به طرف طرهبه و شاندیز و ورودی جنوب شرقی به طرف تهران. دروازه مورد مطالعه یعنی دروازه ولایت در ورودی جنوب شرقی قرار دارد که با اتمام بزرگراه شوشتری، از پلیس راه مشهد آغاز می شود و تا پارک جنگلی غدیر ادامه می یابد. در شرق مسیر ورودی، اداره هواشناسی، انبارهای پالایش و پنخش فرآورده های نفتی، شهرک عسگریه و فرودگاه بین المللی هاشمی نژاد قرار دارد و در امتداد غربی مسیر ورودی، پارک جنگلی غدیر قرار دارد.

دروازه ولایت یکی از ورودی های اصلی شهر مشهد است که سالانه تعداد زیادی از مسافری از طریق آن وارد شهر مشهد می شوند. ورودی مشهد ساختار و هویتی مشخص ندارد. وجود

سیمای نامطلوب شهری و انباشتگی اغتشاشات بصری، ناخوانایی و هدایت نکردن شایسته زائران، نبود جذابیت بصری و به وجود نیامدن انگیزه در ناظر، پایین بودن کیفیت محیطی محدوده و نداشتن ساختار مشخص از مهم‌ترین مشکلات این دروازه است. افزون بر سیمای طبیعی، چیز دیگری برای تمایز میان آنها وجود ندارد؛ از این رو با توجه به اهمیت این ورودی و نقش به‌سزای آن در ایجاد تصویر ذهنی مخاطب پیش از ورود به شهر، لازم است به این موضوع، به‌عنوان یکی از کاستی‌های بزرگ شهر مشهد بپردازیم.

فضای ورودی شهرها اتصال‌دهنده فضای بیرونی شهر و فضای درونی شهر است و مانند هر مفصلی، ویژگی‌هایی دارد که بر هر دو فضای بیرونی و داخلی منطبق است. اگرچه ماهیت فضای ورودی شهرها تا حدی تحت تأثیر مؤلفه‌های فضای درون شهر و بیرون شهر است. لکن فضای ورودی از هویتی ویژه و خاص برخوردار است. در واقع فضای ورودی شهرها، جریانی نیمه‌رهاست که جریان حرکت از خارج شهر را به داخل شهر هدایت می‌کند.

ورودی‌های شهرها اکنون تعریف مشخصی ندارند. این شاخص بودن و تعریف فضا است که ورودی را تعریف می‌کند. تعیین فضایی موجب می‌شود فرد حس کند در آستانه ورود به فضایی خاص است. اما اکنون این تعریف جای خود را به خیابان و بلوار داده است، یعنی هنگامی که به ترافیک خودروها می‌رسیم، تازه متوجه می‌شویم وارد شهر شده‌ایم. برای رهایی از این وضع، راه‌حل‌های بسیاری وجود دارند. به عنوان نمونه در طراحی ورودی شهر می‌توان از الگوهای خاص و عناصر شاخص شهر الهام گرفت، در این صورت به هویت‌مندی شهر کمک می‌شود و تصویری را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند.

۲-۳. اصلی‌ترین قابلیت‌های توسعه شهر مشهد

۱. وجود مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام به‌عنوان زیارتگاه مسلمانان جهان؛
۲. استقرار در کریدورهای بین‌المللی شمال - جنوب و شرق - غرب و در مسیر شبکه‌های حمل و نقل جاده‌های وریلی و هوایی؛
۳. موقعیت و نقش مهم ژئوپولیتیکی در استان و کشور در زمینه تعاملات بین‌المللی؛

۴. برخورداری از پشتوانه فرهنگی و تاریخی بسیار غنی در سطح ملی و بین‌المللی؛
۵. برخورداری از حوزه‌های پر سابقه دینی و مذهبی فرهنگ وقف و مشارکت در امور اجتماعی و خیریه؛
۶. وجود مراکز علمی و دانشگاه‌های بزرگ و مؤسسات عالی پژوهشی دولتی و خصوصی؛
۷. وجود نیروی انسانی متخصص و برخورداری از ظرفیت‌های اجرایی قابل توجه و امکان صدور خدمات فنی و مهندسی؛
۸. بهره‌مندی از آستان قدس رضوی به عنوان یک نهاد توانمند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛
۹. برخورداری از زمینه‌های مناسب توسعه صنعتی به‌ویژه در صنایع غذایی، نساجی، قطعه‌سازی، خودرو سازی، صنایع معدنی و صنایع با فناوری بالا؛
۱۰. برخورداری از خدمات برتر تخصصی و فوق تخصصی در سطح ملی و فرا ملی (بیمارستان‌های فوق تخصصی، نمایشگاه بین‌المللی، مرکز ملی اقلیم‌شناسی و غیره)
۱۱. برخورداری از شبکه‌های زیربنایی و خدماتی مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش‌های مختلف؛
۱۲. برخورداری از ظرفیت‌های مذهبی، تاریخی، فرهنگی و طبیعی برای جذب گردشگر داخلی و خارجی؛
۱۳. برخورداری از جاذبه‌ها و امکانات بالای گردشگری.

۲-۴. شاخص‌سازی بناها

زمانی که از معماری - به‌ویژه معماری دوران معاصر ایران - سخن می‌گوییم، چند بنای شاخص در تهران و اطراف آن به ذهن می‌رسد. ویژگی مشترکی همه این بناها آن است که در ایران نوعی خرد جمعی میان معماران وجود داشته است که نتیجه آن را در چهار دهه قرن معاصر می‌بینیم. در ابتدای امر، هر علاقه‌مندی چنین استنباط می‌کند که همه معماران این قرن، از گونه‌ای تفکر منطقی و زیبایی‌شناختی در طراحی و اجرا تبعیت می‌کردند و این خود، جوهره

نظام مهندسی هماهنگ این دوران را تشکیل می‌داد. همه این معماران بیش و پیش از هر کاری، ابتدا به غور و توغل در کار پیشینیان می‌پرداختند و نظرات و اقوال آنها را به دقت مطالعه می‌کردند نه این که تنها به گرت‌برداری روی آورند. بنابراین شاید بیهوده نباشد اگر در ابتدا به تعاریف و بررسی کلی مفهوم فضا، انواع فضاهای شهری، کیفیت فضاهای ورودی شهری، از نقطه نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران و نظریه‌پردازانی که در مورد کیفیت فضاهای ورودی شهری در گذشته و حال تحقیق و پژوهش انجام داده‌اند، بپردازیم و سپس امکان و هویت ماهیت دروازه‌ها و شاخص‌های دروازه ولایت را از دل آن برآوریم.

۲-۵. ابعاد شهر

«مفهوم شهر معمولاً برای توصیف پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به کار رفته است» (فیالکوف، ۱۳۸۳، ص ۱۳). در ادبیات علوم انسانی مفهوم شهر با مفهوم تمدن یکی گرفته شده است، بنابراین شهر را نوعی مشخص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا می‌پندارند.

شهر، زیستگاهی است که به دست انسان ساخته شده است و تحت نظر یک قدرت سیاسی مشخص، که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود قرار داده است، فضاهایی ویژه که براساس تخصص‌های حرفه‌ای به وجود آمده است، تفکیکی کمابیش مشخص و فزاینده میان بافت‌های کاری و مسکونی ایجاد می‌کند و فرهنگی خاص را به‌مثابه حاصلی از روابط درونی خویش پدید آورده است که درون خود، خرده فرهنگ‌های بی‌شمار را حمل می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳: ص ۲۹).

اصطلاح شهر اسلامی، بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن است. فضای کالبدی بیشتر شهرهای اسلامی از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن متأثر است که وجود روح مشترک و منتج از مکتب الهی را در آنها تأیید می‌کند. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد (خدایی؛ تقوایی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که شهر اسلامی به شهرهایی گفته می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات برگرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته‌اند. هنگامی که از واژه شهر استفاده می‌شود، نه با دیدن شهر بلکه تنها با شنیدن آن واژه، یعنی چیزی غیر از خود شهر، تصویری از شهر در ذهن‌مان بوجود می‌آید. شهر از مجموعه‌ای متشکل از اجزا، مسجد، بازار، خانه، کوچه، خیابان و غیره و این اجزا نیز خود از مجموعه‌ای دیگر از اجزا مانند مسجد که خود متشکل از ایوان، صحن، مناره، سردر و غیره تشکیل شده‌اند.

۲-۶. سیمای شهر

برای هر شهری، تصویر و سیمایی کلی از خود آن شهر وجود دارد که با تصویری که اشخاص مختلف دیگر از آن در ذهن دارند، کاملاً تفاوت می‌کند. تصویری که هر فرد از سیمای شهر دارد، منحصر به آن فرد است، با این همه تا اندازه‌ای شبیه تصویر کلی از سیمای موجود شهرهاست (لینچ، ۱۹۶۰).

سیمای هر قسمت از شهر ممکن است گاه بسته به این که به چه ترتیب مورد مشاهده قرار می‌گیرد، تغییر یابد. یک جاده ممکن است برای شخصی که در آن با اتومبیل رانندگی می‌کند، یک راه باشد و برای شخصی که پیاده‌راه می‌رود، به‌عنوان یک لبه باشد. اما به نظر می‌رسد سیمای شهر برای بیننده وقتی مقیاس ملاحظه‌ای او تغییر نمی‌کند، ثابت بماند. (لینچ، ۱۹۶۰).

۲-۶-۱. روابط موجود میان عوامل سیمای شهر

ترکیب عوامل سیمای شهر ممکن است تأثیر آنها را بیشتر کند و یا تناقضی میان‌شان به‌وجود آورد که اثر هر یک را خنثی گرداند. به‌عنوان مثال اگر نشانه‌ای در جایی مناسب در هسته مرکزی شهری قرار گیرد، بر قدرت و ثبات آن می‌افزاید و بر عکس اگر خارج از هسته قرار گیرد، ممکن است سبب گمراهی شود. خیابانی وسیع؛ چه به‌عنوان راه و چه به‌عنوان لبه، ممکن است به درون محله‌ای نفوذ کند و آن را بیشتر به دید آورد، اما در عین حال تأثیر محله را از بین ببرد.

راه‌ها، روابطی نزدیک با دیگر عوامل شهر دارند. گره‌های موجود در محل تقاطع راه‌ها، موجب تقویت تأثیر راه‌ها می‌گردند. گره‌ها نیز تأثیرشان با نشانه‌ها بیشتر می‌شود. همچنین هویت راه‌ها

نه تنها از فرم خود آنان یا گره‌ای که در محل تقاطع با راه‌های دیگر به وجود آمده، نشأت می‌گیرد، بلکه از محله‌هایی که ممکن است از میان آنان بگذرند و یا نشانه‌هایی که در کنار آنان قد برافرازند نیز تأثیر می‌پذیرد.

به نظر می‌رسد هر محیطی از شهر تنها یک تصویر جامع که همهٔ سیمای محیط در آن منعکس گردد، نداشته باشد، بلکه دسته‌ای از تصاویر به هم مربوط هستند که مرحله‌به‌مرحله، دامنهٔ آن وسعت می‌یابد. گسترش تصاویر در محیطی پیچیده از مرحله‌ای به مرحلهٔ دیگر لازم به نظر می‌رسد، اما برای ناظری که می‌خواهد این تصاویر را در ذهن سامان دهد، مشکل ایجاد می‌کند. تصاویر نه تنها با تغییر اندازهٔ محیط مورد مشاهده، بلکه بسته به نقطهٔ دید ناظر و ساعات مختلف روز یا فصول سال، تغییر می‌یابند. اما در هر حال باید میان تصاویر مختلف، پیوستگی موجود باشد. ناظر باید تصویر ذهنی خود را با تغییراتی که در محیط اطراف وی صورت می‌پذیرد، انطباق دهد. ثبات پیوستگی ممکن است با حفظ پاره‌ای خصوصیات محقق گردد.

برای حفظ تسلسل تصاویر چندین راه موجود است:

۱. بیشتر اوقات تصاویر در امتداد راهی که ناظر با آن آشنا است و سپس به صورت

انشعاب‌هایی از این امتداد، شکل و توسعه می‌یابند؛

۲. ممکن است نقشهٔ برداشت تصاویر ناظر را نخست به صورت شکلی که حدود معین در

او ترسیم کرد و سپس آن را به جانب مرکز کامل کرد؛

۳. پاره‌ای مصاحبه‌شوندگان، نخست مظاهر مشخص نقشه و سپس اجزای آن را رسم

کردند؛

۴. پاره‌ای اندک، نقشه را به صورت تعدادی ناحیهٔ مجاور ترسیم کردند و سپس اجزای آن را

معلوم نمودند؛

۵. چند تن نیز نقشه را با ترسیم هسته‌ای که با آن آشنا بودند، آغاز کردند.

تصاویری که به طریق بالا به دست می‌آید، نقشه‌ای دقیق از وضع موجود نیست. تصاویر گاه از واقعیت به دور بودند، ولی نکات اصلی در آنها حفظ شده بود و تسلسل نقاط مختلف معمولاً صحیح بود.

۲-۶-۲. مؤلفه‌های کیفیت فضاهای شهری

مؤلفه‌های کیفیت فضاهای شهری که توسط یان بنتلی و همکارانش در کتاب محیط‌های پاسخ‌ده ارائه شده است، در هفت معیار دسته‌بندی می‌شوند که عبارتند از:

| ردیف | کیفیت | شرح |
|------|------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱ | نفوذ پذیری | کیفیتی است که بر امکان رفتن یا نرفتن مردم به مکانی تأثیر بگذارد. |
| ۲ | گوناگونی | کیفیتی است که می‌تواند بر تنوع قابلیت‌هایی که به مردم عرضه می‌شود تأثیر بگذارد. |
| ۳ | خوانایی | کیفیتی است که قابلیت آن را دارد بر چگونگی و سهولت درک مردم از موقعیت‌ها و فرصت‌هایی که محیط به آنان عرضه می‌کند، اثرگذار باشد. |
| ۴ | انعطاف پذیری | کیفیتی است که می‌تواند بر ابعاد توانمندی محیطی معلوم جهت پاسخ‌گویی به استفاده‌های مختلفی که با اهداف مختلف مردم سازگار باشد، اثر بگذارد. |
| ۵ | تناسبات بصری | کیفیتی است که می‌تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان، همان‌گونه که مردم را از گزینه‌های قابل عرضه به خودشان آگاه کند، اثرگذار باشد. |
| ۶ | غناى حسی یا مکان | کیفیتی است که می‌تواند بر قوام گزینه‌های مربوط به تجربیات حسی مردم تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که حس مکان نامیده می‌شود. |
| ۷ | رنگ تعلق | کیفیتی است که می‌تواند بر حد و اندازه‌هایی که مردم امکان زدن مهر و نشان خویش را بر مکان می‌یابند، تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که «رنگ تعلق» نامیده می‌شود. |

۲-۶-۳. کیفیت‌های منحصر به فرد شهر

۱. سرزندگی: کیفیتی که می‌تواند بر تنوع فعالیت‌ها و فعال بودن فضا تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که («سرزندگی») نامیده می‌شود. (طیبیان، فریادی، ۱۳۸۴).

۲. جنبه‌های زیبایی‌شناسانه محیط: کیفیتی که می‌تواند بر تناسبات رنگی و فرمی و هارمونی فضا تأثیر بگذارد، کیفیتی که («جنبه‌های زیبایی‌شناسانه محیط») نامیده می‌شود. (رضایی‌گی ثانی، ۱۳۸۸).



۳. نحوه تفسیر مردم از مکان:

مردم علائم بصری را دارای معانی ویژه می‌دانند. هر یک از گروه‌های اجتماع در بخش عظیمی از آموخته‌های رسمی و غیررسمی اشتراک دارند. بنابراین همه افراد یک گروه گرایش به دستیابی به تعابیر ذهنی مشابهی از یک مکان دارند. اعضای گروه‌های مختلف، تعابیر متفاوتی از یک مکان دارند که ناشی از دلایل زیر است: تجربیات محیطی گروه‌های مختلف نسبت به هم متفاوتند. اهداف گروه‌های مختلف نسبت به هم متفاوتند (جوادی، سمیع زاده یزد، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

۲-۷. حس مکان

هر مکانی دارای یک حس مکان است. حس مکان چیزی نیست که تنها منتقدان آن را مطلوب بدانند، افراد عادی نیز وقتی جایی که با آن سابقه آشنایی دارند، دستخوش تغییر شود، اغلب به خاطر از دست دادن هویت، احساس ناراحتی می‌کنند. این تنها در نتیجه «شوک نو بودن» نیست، یک حس ریشه‌دار است که می‌گوید آنچه ساخته شده، بی‌جا است. یعنی حس «مال ما بودن» را برای مردم ندارد. بخش عمده‌های از آنچه امروزه پیشنهاد و یا ساخته می‌شود، به زمینه خود اعم از ساخته‌شده یا طبیعی توجهی ندارد. بیشتر کارهای معماری شوک ایجاد می‌کند.

واژه حس مکان دو جنبه دارد: جامعه‌شناسی و روان‌شناسی. اولی به حس مکان شخص یا حس جامعه‌ای شخص در یک واحد اجتماعی بزرگ‌تر، مربوط می‌شود و دومی به حس تعلق به یک منطقه و یا یک فرهنگ منطقه‌ای ارتباط می‌یابد. در طراحی شهری اولی به تصورات ذهنی از شکل شهر و معانی‌ای که القا می‌کند؛ یعنی ارزش‌های وابسته به آن مربوط می‌شود و دومی به سلامت اکولوژیکی و فرهنگی شکل شهر بر پایه شرایط اقلیمی و فرهنگی محل ارتباط دارد. احساس گم‌گشتگی که بیشتر مردم آن را تجربه کرده‌اند، به تغییراتی مربوط می‌شود که در هر دو بُعد روی داده است. ما به دنبال دنیای بهتری هستیم (جوادی، سمیع زاده یزد، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

درک روابط انسان و مکان مستلزم تجسم کردن زمینه‌های فیزیکی و اجتماعی - فرهنگی



است و مکان، جایی است که احساسات می‌تواند ابراز شود و این احساس با برقراری پیوند میان انسان و مکان، زمینه‌ای برای تفاوت، جهت‌یابی و درک فضایی پدید می‌آورد. حس مکان، دارای دو بُعد است؛ یکی در باورها و اعمال فرهنگی ریشه دارد و فرد را با مکان ارتباط می‌دهد که شامل عناصر غیرفیزیکی و دارای کیفیت ذهنی است و دیگری متأثر از زمینه‌های بیرونی و کالبدی است که بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی تأکید دارد و طراح می‌تواند بر آن تأثیر داشته باشد. برای ایجاد حس مکان، محیط باید دارای کاراکتر و ساختاری ویژه باشد. بدین‌منظور تمام محیط مصنوع باید به صورت یک کل یکپارچه در طراحی مدنظر قرار گیرد. مشخصات کالبدی مانند پیوستگی بصری، محصوریت بصری، تضاد و تنوع، دید، خروجی و ورودی، منظرسازی و نام‌گذاری از عناصر عینی هستند که حس مکان را افزایش می‌دهند و موجب ایجاد حسی قوی از فضا در ساکنین آن محیط برای زندگی در آینده آن مکان می‌شوند و محصول آن ارزیابی مثبت ساکنین از محیط زندگی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در مورد پرسش نخست می‌توان گفت ورودی شهر همواره معرف مقتدر آرمان‌ها و انگیزه‌های اعتقادی و اجتماعی مردم آن شهر بوده است. گشاده‌رویی و دعوت‌کنندگی شهرها معطوف به تقویت ورودی آن است؛ نکته‌ای که به‌ویژه در الهیات شهر باید مورد اهتمام جدی قرار گیرد. امروزه شهرها از این حیث با فقر نسبی مواجه هستند و کمتر می‌توانند مخاطبان خود را با بضاعت‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی خویش آشنا سازند. مردم ناگهان به شهر وارد می‌شوند، بدون آنکه در ورودی آن درنگی و ناگزیر تأملی برای‌شان رخ دهد. این ضعف در کلان‌شهر مذهبی مشهد به نحوی چشم‌گیرتر رخ می‌نماید. این در حالی است که شهر مشهد به خاطر وجود مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه‌السلام به‌عنوان زیارتگاه مسلمانان جهان از وجاهت ارزشی فراوانی نزد جهان اسلام برخوردار است و همه ساله جمعیتی بالغ بر بیست میلیون نفر را پذیرا می‌شود. مشهد، در کریدورهای بین‌المللی شمال - جنوب و شرق - غرب و در مسیر شبکه‌های حمل و نقل جاده‌های و ریلی و هوایی مستقر است؛ از این‌رو در زمینه تعاملات بین‌المللی،

موقعیت و نقش مهم ژئوپولیتیکی در استان و کشور دارد، اما در هیچ یک از مبادی ورودی خود از ورودی شایسته و اندیشیده‌شده‌ای بهره نمی‌برد.

در مورد پرسش فرعی اول می‌توان گفت که مقصود نهایی هر زائری دیدن روضه رضوان رضوی است و او پیوسته به هر نمادی که به طریقی این جذبه و اشتغال را در او زنده کند، بسیار مشتاق می‌شود.

در مورد پرسش فرعی دوم می‌توان گفت فضای ورودی شهرها به عنوان اتصال‌دهنده فضای طبیعی بیرون و فضای مصنوعی درون شهر و به عنوان یگانه مسیر برقرارکننده این ارتباط عمل می‌کند و از برخی الگوهای ارتباط فضایی پیروی می‌کند. گسترش بی‌برنامه شهرها و بی‌توجهی به الگوهای توسعه فضایی مناسب، در فرم و محتوای فضاهای ورودی شهرها نابسامانی ایجاد کرده است.

از آنجا که فضای ورودی در شهرها، نخستین فضا در مواجهه با پدیده شهر است، توجه به معنای ورودی یکی از اساسی‌ترین مطالعات در توجه به رشد فضاهای شهری است. بنابراین برای دستیابی به راهکارهای مناسب در طراحی و ساماندهی ورودی شهرها، توجه به ماهیت ورودی و شناخت پدیدارشناسانه آن یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که در طراحی ورودی شهرها اهمیت دارد.

منابع

۱. ابلقی، علیرضا و پورجوهری، امیر حسین، (۱۳۸۵). «مبادی ورودی شهرها و تدوین اصول و معیارهای ساماندهی برای بازیابی یک فضای شهری فراموش شده». مجله آبادی شماره ۵۳. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۲. افندی زاده، شهریار و گلشن خواص، رضا، (۱۳۸۵). «طراحی مدل ایمنی مبادی ورودی شهرها». پژوهشنامه حمل و نقل. سال سوم. شماره چهارم.
۳. اصانلو؛ حسن؛ رستمی زاده، امیرحسین (۱۳۸۶). «مرمت شهری و ارتقای سیمای شهری (مطالعه موردی: جلفای اصفهان)». رهپویه هنرهای تجسمی. دوره دوم - پیش شماره ۳.
۴. البرزی، پرویز (۱۳۸۶)؛ مبانی زبان‌شناسی متن. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. بحرینی، سیدحسین و علی طالب بابلی، ناهید، (۱۳۸۲). «تدوین اصول و ضوابط طراحی محیط ورودی شهر». مجله محیط‌شناسی. شماره ۸. دانشگاه تهران.
۶. براتی، ناصر (۱۴۰۲). «پریش‌خوانی شهری؛ مفهومی نو در ادراک و خوانایی شهر». نامه معماری و شهرسازی - شماره ۳۸.
۷. بینش، تقی (۱۳۴۷)؛ کلیات جغرافیای تاریخی مشهد. نشریه نامه آستان قدس. شماره ۳۵
۸. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران. وزارت مسکن و شهرسازی. معاونت شهرسازی و معماری.
۹. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۱۰. پناهی، عباس (۱۳۹۰). «جغرافیای تاریخی در جهان اسلام». ماه و تاریخ جغرافیا. شماره ۱۶۳.
۱۱. خیراندیش، رسول، (۱۳۷۹). «جغرافیای تاریخی ارزیابی گذشته». تصویر آینده. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۳۱.

۱۲. خادمی، مسعود؛ رفیعی جوزم، رضا (۱۳۸۸). «بررسی مولفه های کیفیت محیط در فضای ورودی شهرها». نشریه آبادی. شماره ۶۱ و ۶۲.
۱۳. خدایی، زهرا؛ تقوایی، علی اکبر (۱۳۹۰). «شخصیت شناسی شهر اسلامی با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی». مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۵.
۱۴. دوسوسور، فردینان؛ سه شه یه، آلبر (۱۳۷۸). درس های زبان شناسی همگانی (ترجمه نازیلا خلخالی). تهران: نشر فرزانه روز.
۱۵. رضایی، محمدرضا (۱۳۹۷). «بررسی کیفیت کالبدی و عملکردی مبادی ورودی شهر یزد از نظر گردشگران». مجله شهر پایدار. دوره اول - شماره ۲.
۱۶. ظاهری، مصطفی (۱۳۸۰). «بررسی ابعاد مؤثر در ترکیب منظر ورودی شهری از دیدگاه برنامه ریزی شهری». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
۱۷. قریب، فریدون، (۱۳۸۲). «ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها». مجله هنرهای زیبا. شماره ۱.
۱۸. قراچانلو، حسین و همکاران؛ (۱۳۹۰). ماه تاریخ و جغرافیا. انتشارات خانه کتاب. شماره ۱۶۳.
۱۹. گلکار، کورش (۱۳۷۹). «مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری». نشریه علمی - پژوهشی صدف. شماره.
۲۰. گلکار، کورش (۱۳۸۵). «مفهوم منظر شهری». نشریه آبادی. شماره ۵.